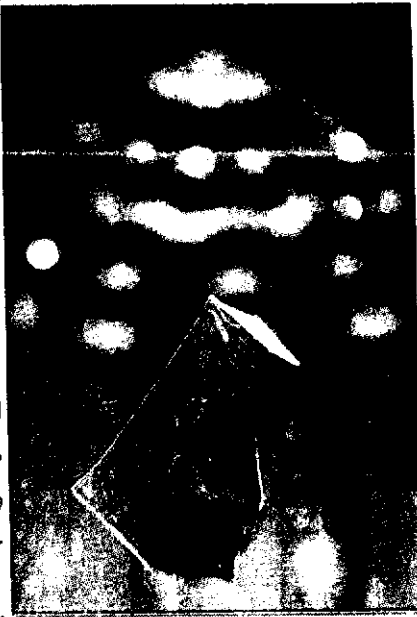


خاتمیت پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن



نخست باید توجه نمود که شرایع آسمانی اگر چه در آغاز نظر به صورت شریعت های مختلف جلوه می کند و انسان تصور می کند ادیان متعدّد و گوناگونی برای بشر عرضه شده و رابطه آنها از هم گسسته است و حدّ مشترکی میان آنها وجود ندارد، ولی حقیقت برخلاف این تصور است؛ چرا که از روز اوّل، ارکان نخستین شریعتی که به وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده (۱) با حقیقت شریعتی که برای پیامبر خاتم نازل گردیده، یکی است و جبهات مشترک زیادی میان آنها وجود دارد که همه آنها را به صورت یک آیین واحد و به هم پیوسته که به مرور زمان و تکامل اجتماع، تکامل یافته است، در آورده و سرانجام به شکل یک آیین جامع که بنا را از هر نوع تشریع و قانون بی نیار ساخته، عرضه شده است.

یک محیط اسلامی زندگی نماید، اما موضوع خاتمیت به گوش او نخورد و از آن آگاه نگردد و این خود نشانه ضروری بودن مسأله خاتمیت پیامبر اسلام (ص) است هر گاه از ضروری بودن آن و این که خاتمیت مورد اتفاق و اجماع مسلمانان جهان است بگذریم، از میان آیات قرآن روشترین آیه ای که بر خاتم بودن پیامبر اسلام تصریح می کند، آیه زیر است:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (ص) (مدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبر است و خداوند به همه چیز آگاه است!) (۵)

برای روشن شدن مفاد آیه، لازم است که پیرامون لفظ خاتم توضیح داده شود؛ خاتم در امت عربی به چیزی گفته می شود که با آن آخر نامه مهر می گردد. در گذشته مهر انسان به جای امضا او بود و هم اکنون اسناد و نامه های مهم را علاوه بر امضا، مهر نیز می کنند و در دواeer دولتی و مقامات رسمی، مهر ادارات، موقیعت خوردن سوز خاتم ترس است. مهر نامه و یا سند، علاوه بر این که گواه بر حقیقت است، دلیلی بر ختم و پایان یافتن امر است. در شماره می رویم در نتیجه، خاتمیت نامه و یا سند، تا از جهان باقی دارد که در حد خود ضروری است و چیزی که نیاز از آن ندارد باشد از اعتبار ساقط بوده و ربطی به صاحب مهر ندارد. در گذشته بر روی ساق در ظرف، سالی که مختاریان مازند مسر و سادک و انواع مایه انت داشت به جای وسایل امروز، از قیر و یا گز ساخته و صی (۶) استفاده نمود، سپس روی آن را مهر می کردند تا دلیل بر دست نخوردگی آن باشد. (۷)

از این نظر، قرآن اعلام می کند که از روز نخست خداوند جر یک آیین که آن هم آیین اسلام است، آیین دیگری برای بشر تشریع نکرده است (۲) و هر گاه بشر از غیر این آیین پیروی کند، از او پذیرفته نخواهد شد. (۱)

تر آنکه حضرت ابراهیم قهرمان تو حید را یهودی و منافق و کافر می خواند و گفت: «تو کفر کرده و مو گویان را بر من بد آفرینش نمودی» (۳)

بنابراین در شرایع آسمانی در شریعت و احکامی هستند که بر اثر تکامل اجتماع بشری و بتدویش نیاز مندی های روز افزون، تکامل یافته و سرانجام به صورت یک آیین جامع به وسیله خاتم پیامبر از برای بشر عرضه شده است و در حقیقت این آیین را بیان کلاسه های مختلفی هستند که از دبستان شروع و با دوره دکتر امتنتی می گردد

دلایل خاتمیت

مسأله خاتمیت و خاتم بودن پیامبر عالیقدر اسلام از نظر علما و دانشمندان اسلامی، از ضروریات دین و بدیهیات آیین مقدس اسلام به شمار می رود و هر فرد بینانه و اجنبی، پس از تماس با افراد و جامعه های اسلامی، این حقیقت را بخوبی درک و لمس می کند و هرگز ممکن نیست که فردی در

پیامبر اسلام

حک می شد، مهر می کردند... (۹)

هنگامی که پیامبر اسلام (ص) تصمیم گرفت دعوت خود را گسترش دهد و با پادشاهان و زمامداران وقت مکاتبه نموده و سفیری اعزام نماید، دستور داد تا برای او انگشتری تهیه نمایند که در آن مُحَمَّد رسول الله حک گردد، وی تمام نامه های خود را با آن انگشتر مهر می کرد. (۱۰)

بنابر این، معنای ابتدایی خاتم انگشتر نیست، بلکه مفاد اولی آن همان وسیله ای است که با آن نامه و اسناد و احیاناً درهای ظروف مهر می شد و اگر به انگشتر خاتم می گفتند، برای این بود که با آن دو کار انجام می گرفت. امروزه نیز در کشورهای عربی به انواع مهرها - از فلزی گرفته تا پلاستیکی - که با آن نامه و اسناد و دفاتر دولتی مهر می گردد و یا خانه و انبار و مؤسسه ای لاک و مهر می شود، ختم می گویند.

روی این بیان، معنای خاتم النبیین روشن گردید؛ زیرا مفاد آن این است که مُحَمَّد (ص) شخصیتی است که با او درهای نبوت که از زمان حضرت آدم تا زمان وی به روی بشر باز بود، مهر و بسته شد و این فیض الهی بر اثر بی نیازی جامعه انسانی از پیامبر و دین مجدد، به پایان رسید و بار دیگر پیامبری پس از وی نخواهد آمد و همان طور که با مهر، پایان یافتن محتویات نامه اعلام می گردد و می رساند که مقصود نویسنده از نامه به آخر رسیده است، همچنین با اعزام پیامبر اسلام، پایان یافتن این فیض و به آخر رسیدن

و ختم

جریان این موهبت الهی، اعلام گردید و غرض از اعزام رسل و پیامبران به آخر رسید، گویی که وجود او بسان مهر است که به باب نبوت خورده و این در را برای ابد به روی بشر بسته است.

تصرف ناروا در معنای خاتم، تصرف نابجا و مضحکی است که برخی از فرق ضاله درباره خاتم النبیین انجام داده اند و برای اغوای مریدان خود چنین وانمود کرده اند که مقصود از خاتم در آیه، همان انگشتر است. و هدف از تشبیه پیامبر به انگشتر بیان موقعیت پیامبر در میان پیامبران می باشد، زیرا همان طور که انگشتر زینت دست به شمار می رود، همچنین وجود پیامبر اسلام در میان پیامبران زینت آنان می باشد.

این تأویل به قدری سست است که حتی پایه گذار این مسلک و حزب، در برخی از کتاب های خود ناچار شده است که خاتم را به همان معنای صحیح خود تفسیر کند و این تأویل غلط را رها سازد. (۱۱)

ما در تفسیر قرآن هرگز حق نداریم از پیش خود برای لغتی معنایی بتراشیم، بلکه باید از استعمالات رایج در میان عرب زبانان پیروی کنیم؛ در صورتی که هیچ گاه در لغت عرب لفظ خاتم کنایه از زینت به کار نرفته و هرگز نمی گویند فلانی خاتم خانواده خود است و مقصود این باشد که او زینت آنهاست و اگر هدف از توصیف پیامبر به خاتمیت، بیان موقعیت او در میان آنان بود و این که او زینت این گروه است، لازم بود از استعمالات رایج در این زمینه پیروی نموده و بگوید: پیامبر اسلام تاج و اکلیل انبیاست.

چهارده قرن همه مسلمانان جهان از این لفظ همان معنای خاتمیت را فهمیده اند و در احادیث اسلامی در بیان موقعیت پیامبر نسبت به خاتمیت این لفظ به کار برده شده است.

امام صادق (ع) می فرماید: **أَنَّ اللَّهَ خَتَمَ بِنَبِيِّكَ النَّبِيَّينَ، فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، وَ خَتَمَ بَكِتَابِكُمْ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ وَ أَنْزَلَ فِيهِ تَيَّانَ كُلِّ شَيْءٍ؛** خداوند به وسیله پیامبر شما باب نبوت را ختم نمود، دیگر پس از او پیامبری نخواهد آمد و با کتاب او به نزول کتاب آسمانی پایان داده، پس از آن دیگر کتابی نازل نخواهد شد؛ این کتاب روشنگر همه چیز است! (۱۲)

شرایع آسمانی در حقیقت، شریعت واحدی هستند که بر اثر تکامل اجتماعات بشری و پیدایش نیازمندی های روز افزون، تکامل یافته و سرانجام به صورت یک آیین جامع به وسیله خاتم پیامبران برای بشر عرضه شده است و در حقیقت این آیینها بسان کلاسهای مختلفی هستند که از دبستان شروع و به دوره دکترا منتهی می گردد.



مسأله خاتمیت و خاتم بودن پیامبر عالیقدر اسلام از نظر علما و دانشمندان اسلامی، از ضروریات دین و بدیهیات آیین مقدس اسلام به شمار می رود

صورتی که پیش از وی پیامبرانی برای هدایت بشر برانگیخته شده بودند؟ ولی با توجه به یک مطلب این مشکل خود به خود برطرف می شود و آن این که اعزام انبیا همراه با فرستادن شریعت نیست؛ زیرا مقصود از شریعت یک رشته قوانین فردی و اجتماعی است که بشر را به سوی تکامل مادی و معنوی سوق دهد؛ فرستادن چنین شریعتی فرع استعداد و آمادگی فکری و روحی بشر برای پذیرش آن است و تا شایستگی برای درک مفاهیم دین و نیاز به جعل قوانین در بشر پیدا نشود، انزال شریعت و جعل قوانین برای آنان لغو و بیهوده خواهد بود. از این نظر برنامه پیامبران پیش از نوح بسیار ساده بوده و از حدود دعوت به مسائل فطری که هر فرد با سرشت انسانی آن واردک می کند تجاوز نمی کرد و بر اثر کمی استعداد و نبودن زندگی دسته جمعی در میان انسانها که شارع را برای تشریع قوانین ملزم سازد، سفرای آسمانی برای بشر از طرف خداوند حامل پیامی خاص و شریعتی نبوده و فقط مأمور بودند که آنها را به سوی ادراکات نخستین انسانی مانند توجه به خدا و نیکی به انسان ها و دوری از ظلم و تجاوز و ... که برای انسانها فطری و فابل درک است هدایت نمایند.

۲- ان الذین عند الله الاسلام (سوره آل عمران، آیه ۱۹)

۳- و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه (سوره آل عمران، آیه ۸۵)

۴- ما کان ابراهیم یهودیا ولا نصرانیا و لکن حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین (سوره آل عمران - آیه ۶۷)

مفسد از اسلام در این آیات همان تسلیم در برابر اراده خداست بطوری که جز خداوند ولی را ای خود اختیار نکند.

۵- سوره احزاب، آیه ۲۰

۶- در کلمات عرب به آن ختم می گفتند و مقصود از آیه او ختم است؛ تک نیز همین است؛ در چندی که با آن درهای مایات و معنوی را پاک و مهر می کنند؛ بوی مشک می دهد.

۷- نامه ابن الدون، ۱۸، ص ۱۲۰

۸- در کتاب های لغت و تفسیر، هنگامی که لفظ خاتم را تفسیر می کنند می گویند: خاتم به معنای آنست که ختم به آنست؛ یعنی چیزی که آن نام و یاد شیء نور بر او رود.

۹- خصمنا بین شدون، ج ۱، ص ۲۲۰

۱۰- لغات کبری، ج ۱، ص ۲۵۰

۱۱- شرفات، ج ۲، ص ۱۲۲

۱۲- والی، جزء ۱، ص ۱۲۴

۱۳- سوره صافات، آیه ۲۰

پس نه شد.

آیت الله مکارم شیرازی

برخی از آنان تصرف نابجای دیگری در لفظ خاتم نموده اند و می گویند که خاتم در آیه به معنای مهر است، ولی هدف از توصیف پیامبر به خاتم پیامبران همان تصدیق حقایق انبیای گذشته است؛ زیرا همان طور که مهر گواهی بر صحت مضامین یک نامه می دهد، همچنین پیامبر اسلام نیز بر صحت و استواری همه پیامبران گواه است.

این تفسیر از نظر بی پایگی دست کمی از اوکی ندارد؛ زیرا درست است که مهر بر صحت یک نامه گواهی می دهد، ولی هرگز در لغت عرب سابقه ندارد به شاهد و گواه، خاتم بگویند بطوری که اگر کسی پای نامه ای را امضا کرد و یا بر حادثه ای گواهی داد، بگویند او خاتم است.

گذشته از این، تصدیق انبیا از خصایص پیامبر اسلام نیست و هر پیامبر بعدی نه تنها مصداق پیامبر پیشین، بلکه تمام انبیای گذشته بوده است؛ خداوند حضرات مسیح را چنین معرفی می کند:

و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم و صدقا

لما بین یدی من الاله و (به یاد آورید) من گامی را که عیسی بن مریم

گفت: او، پیش از اسرائیل من فرستاده خدا به سزای شما هستم در حالی

که تصدیق کننده کتابی که قبل از من فرستاده شد است. (تورات) می باشد. (۱۳)

خداوند نباید ترسید؛ با نسیم که در اول قرآنی خاتمیت منحصر به این

آیه نیست، بلکه آیه ای است که دیگری بر خاتمیت رسالت جهانی پیامبر

اسلام گواهی می دهد و برای اختصاص فقط به بدان یک آیه پرداختیم. **پاورقی:**

۱- شاید برای گروهی تصور این مطلب که نخستین شریعت آسمانی برای بشر، به وسیله

حضرت نوح عرضه گردیده است مشکل باشد و با خود بگویند؛ چگونه می توان گفت

برای نخستین بار شریعت آسمانی به وسیله حضرت نوح برای بشر عرضه شده است، در

۵۲۲۴

